



سال اول، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱

خوانش شعر «مرگ ناصری» از منظر آرای لکان

نرگس مرادی^۱

دکتر علی تسلیمی^۲

دکتر محمد علی خزانه‌دارلو^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۱

چکیده

یکی از پرکاربردترین رویکردهای نظریه ادبی معاصر، نقد روان‌کاوانه است. با کاربرد این نظریه در خوانش متون ادبی، می‌توان به لایه‌های زیرین آثار ادبی پی برد. این نوشتار، با بهره‌گیری از مفاهیم بنیادی نظریه روان‌کاوی ژاک لکان، روان‌کاوی نو فرویدی، کاربرد این مفاهیم را در شعر معروف «مرگ ناصری» شاملو نشان می‌دهد. ابتدا برای رسیدن به هدف مقاله، چارچوب روان‌کاوانه لکان توضیح داده می‌شود که در بردارنده مفاهیمی چون امر خیالی، امر نمادین، امر واقعی، آبژه دیگری کوچک و دیگری بزرگ است. سپس با کمک این مفاهیم، شعر «مرگ ناصری» شاملو به منظور دستیابی به لایه‌های پیچیده و مباحث ضمنی، نقد و تحلیل می‌شود. عیسی در ناصره متولد شد، از این رو شاملو او را ناصری می‌نامد. ناصری کسی است که می‌خواهد با گسترش رحم خود، جامعه را در جهت دیگری بزرگ نجات بخشد. این ویژگی در امر نمادین رخ می‌دهد، اما معمولاً رحم و دوست داشتن بعد از دنیای خیالی اتفاق نمی‌افتد. این بررسی، نوعی تحلیل متنی برای شناخت هرچه بیشتر لایه‌های ضمنی و پنهان شعر را به دست می‌دهد.

واژگان کلیدی: دیگری بزرگ، نظم سه‌گانه لکان، آبژه، مرگ ناصری، شاملو

narges.m1357@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان